نگاه

بدقولی چینی و توافق ۲۵ ساله

سیدمحمدهادی موسوی
کارشناس سیاسی

● برای اولین‌بار در مهرماه ۹۸ یک رسانه انگلیسی ادعا کرد دو کشور ایران و چین در پی امضای توافق استراتژیک ۲۵ساله هستند. این توافق، شامل ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چین در صنایع ایران در ۲۵ سال خواهد بود که حدود ۶۰ درصد از این مبلغ در صنعت نفت و گاز هزینه خواهد شد. اعلام این خبر با تکذیب جزئیات توافق توسط مقامات ایران مواجه شد. در نهایت هفته گذشته، هیئت دولت ایران کلیات توافق استراتژیک ۲۵ساله با چین را تصویب کرد و مجددا گمانه‌زنی‌هایی درباره مفاد این توافق انجام شد. وزارت امور خارجه و مقامات اتاق بازرگانی ایران-چین تمام این گمانه‌زنی‌ها را تکذیب کرده‌اند و اعلام شد که هنوز جزئیات این توافق بین طرفین مورد بحث قرار نگرفته است.

بااین‌حال چنین توافق استراتژیکی احتمالا شامل سرمایه‌گذاری چین در صنایع ایران بوده و در قبال آن ایران نیز مواد خام مصرفی چین مانند نفت را تأمین خواهد کرد؛ اما فارغ از جزئیات این توافق استراتژیک- که بسیار مهم است- چند ابهام کلی درباره این توافق وجود دارد که در این یادداشت به آنها می‌پردازیم.

سؤال اول این است که چین در چه شرایطی به این توافق پایبند خواهد بود؟ اگر چین قرار است در هر شرایطی، از جمله تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به این توافق پایبند باشد، در صنایع ایران سرمایه‌گذاری کرده و نفت ایران را خریداری کند، چرا اکنون مبادرت به این کار نمی‌کند؟ این توافق‌نامه، چه بند یا بندهای جذابی برای چین دارد که با امضای آن در مقابل تحریم‌های آمریکا بایستد و به تجارت خود با ایران ادامه دهد؟ آیا چین قرار است دوباره با این کارت، دغدغه آمریکا از شرق آسیا را به خاورمیانه، تغییر جهت دهد؟

از طرف دیگر اگر شرط اجرای تعهدات چین، لغو تحریم‌های آمریکا باشد، دیگر چه لزومی به عقد پیمان استراتژیک با چین وجود دارد؟ چرا ایران باید تعهدات برگشت‌ناپذیری به چین بدهد که پس از لغو تحریم‌ها نتواند با دیگر کشورها مراوده تجاری و سیاسی داشته باشد؟

مسئله دوم این است که شرایط بازپرداخت چنین سرمایه‌گذاری هنگفتی چگونه است؟ اگر چین بنای سرمایه‌گذاری در ایران دارد، چرا به‌جای آن منابع حاصل از خرید نفت ایران را آزاد نمی‌کند؟ اگر قرار است این منابع به‌عنوان تضمین بازپرداخت سرمایه‌گذاری، در چین بلوکه شود، چه لزومی دارد که هزینه‌های سرسام‌آور سیاسی و اقتصادی سرمایه‌گذاری چینی‌ها را بپذیریم؟ آیا چین حاضر است هزینه‌های نقل‌وانتقال ارز بین بانک‌های خود و ایران را بپردازد؟ اگر چین، چنین آمادگی‌ای دارد، چرا هم‌اکنون مبادرت به این کار نمی‌کند؟

ابهام سوم این است که محدودکردن توافقات به‌مدت طولانی با یک کشور آیا در جهت منافع ملی است؟ سرمایه‌گذاری چند صد میلیارد دلاری چین در ایران از مجموع کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی تاریخ ایران بیشتر است، ازاین‌رو اینکه اختیار حجم بسیار زیادی از اقتصاد کشور، وابسته به یک کشور دیگر شود که سابقه بدعهدی زیادی دارند، چه نوع استراتژی‌ای در تأمین امنیت ملی محسوب می‌شود؟ آیا با امضای این پیمان، ایران، استقلال اقتصادی خود را حفظ خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۸

اما و اگرهای قرارداد ۲۵ ساله با چین

تکذیب جزئیات توافق در مصاحبه‌ای که منتشر نشد

زینب اسماعیلی‌سیویری: توافق همکاری ۲۵ساله بین ایران و چین، موضوعی بود که در ۱۰ روز گذشته فضای رسانه‌ای ایران به‌ویژه شبکه‌های مجازی را درنوردید. اگرچه این اولین‌بار نبود که از این توافق سخن گفته می‌شد اما نکته جدید این بود که این توافق در جلسه هیئت دولت به تأیید رسید و نهایی‌کردن آن بر عهده وزارت خارجه قرار گرفت.

سال گذشته در سفری که وزیر خارجه ایران به چین داشت، سندهای همکاری مربوط به این توافق بین دو همتا به امضا رسید. همان زمان نیز برخی رسانه‌ها اطلاعاتی از این سند منتشر کردند؛ از حجم سرمایه‌گذاری و حضور چندهزار نیروی نظامی و... که به‌واسطه این سند نهایی می‌شود. اگرچه وزارت خارجه همان زمان هم جزئیاتی از این توافق را اعلام نکرد اما این اطلاعات دست‌به‌دست چرخید تا آنکه تابستان گذشته در گفت‌وگو با سفیر ایران در چین، پی‌جوی مفاد این توافق شدیم. آن مصاحبه که متأسفانه به‌دلیل فنی هیچ‌گاه امکان انتشار نیافت و تاکنون فرصت تکرار آن هم به دست نیامده، حاوی نکته مهمی بود و آن‌هم تکذیب رسمی جزئیاتی بود که از این توافق مطرح می‌شد و این روزها هم تکرار می‌شود. سفیر در آن مصاحبه توضیح داد که هنوز جزئیات این سند در حال رایزنی است و بر این اساس باید بگوییم ما امروز هم به اندازه تابستان گذشته اطلاعات اندکی از توافق با چین داریم. با این اوصاف ما بر اساس وظیفه حرفه‌ای و رسانه‌ای خود به دنبال دریافت اطلاعات بیشتری از این توافق هستیم و درحال‌حاضر در صفحه پیش‌رو از چند کارشناس خواستیم تا نظرات خود را درباره مزایا و معایب این توافق ارائه کنند.

ارزیابی روابط چین و ایران با نگاهی به توافق همکاری ۲۵ ساله

تعدیل در سیاست خارجی

محمدحسین ملائک
سفیر ایران در چین در دولت اول اصلاحات

اعلام نظر هیئت دولت درباره تصویب پیش‌نویس نهایی توافق همکاری ۲۵ساله ایران و چین در تاریخ سوم تیر ۹۹ و موظف‌شدن وزارت خارجه به پیگیری این مذاکرات، بار دیگر موضوع همکاری این دو کشور را به صحنه عمومی کشاند.

سابقه: همه توافق دارند که بعد از سفر آقای شی‌جین‌پین به ایران در سال ۲۰۱۶ (بهمن ۹۴) توافقی بین دو کشور امضا شد که روابط دو کشور در طول ۲۵ سال به سطح ۶۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد. در این سفر پیشنهادهایی به ایران داده شد که مسئولان امر در آن زمان به‌دلیل پیروزی‌های ناشی از توافق برجام به آن توجه کافی مبذول نداشتند. آمریکا در سال ۹۷ از برجام خارج شد و تحریم‌ها علیه ایران شدت گرفت. بهمن ۹۷ اولین هیئت بلندپایه ایران به ریاست رئیس مجلس وقت، یعنی آقای علی لاریجانی با داشتن پیام رهبری به پکن سفر کرد و توانست با شخص شی‌جین‌پین ملاقات و درباره گسترش روابط و توافق‌های گذشته مذاکره کند. سوم شهریور سال ۹۸ وزیر خارجه ایران در سومین سفر خود در سال مزبور به چین، پیگیر توافقی شد که چارچوبی مشابه آنچه چهار سال پیش بین دو کشور امضا شده بود، داشت. ۱۰ ماه بعد پیش‌نویس نهایی توافق همکاری ۲۵ساله بین دو کشور به تأیید هیئت دولت رسید.

واکنش‌ها: یک هفته بعد از سفر آقای ظریف به پکن در شهریور ۹۸ اولین واکنش به این تحول ازسوی نشریه نفتی پترولیوم اکونومیست در سوم سپتامبر صورت گرفت که جزئیاتی از این «تفاهم» را افشا کرد. بر آن اساس چین با سرمایه‌گذاری ۴۰۰میلیارددلاری در نفت و گاز و ساختار حمل‌ونقل ایران از امکانات ترجیحی زیادی در حوزه‌های مزبور، چه از لحاظ خرید و چه از لحاظ پرداخت، بهره‌مند خواهد بود و از همه مهم‌تر پنج هزار نیروی امنیتی هم برای حفاظت از این پروژه‌ها به ایران گسیل خواهد کرد. ۱۲ سپتامبر خانم شیرین هانتر اولین مقاله جدی و هشدارگونه خود را که حاکی از نگرانی مشارالیه از تأثیر منفی این توافق روی اقتصاد ایران و مخل‌بودن آن بر استقلال سیاسی ایران بود، منتشر کرد. بقیه تحلیل‌ها تاکنون بر اساس این دو مقاله منتشر شده‌اند.

محتوای توافق‌نامه از نظر مقامات ایرانی: تقریبا اکثر مقامات ایرانی از توضیح جزئیات این تفاهم طفره رفته‌اند، تنها آقای زادبوم، رئیس سازمان توسعه تجارت، به نقل از ایرنا در تاریخ نهم تیرماه اشاره کرده است: «آن بخشی از قرارداد همکاری ۲۵ساله با چین که مرتبط به این وزارتخانه می‌شود، شامل تأمین برخی کالاها، مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات از این کشور، همچنین تأمین بخشی از نیازهای کالایی چین است. قرارداد همکاری ۲۵ساله با چین، یک برنامه جامع است که برای سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف اجرائی به تفکیک تعریف شده است».

ارزیابی محتوای احتمالی توافق: اگر فرض را بر اعتبار نشریات بین‌المللی بگیریم، نشریه پترولیوم اکونومیست نشریه معتبری است و امکانات اطلاعاتی خوبی در صنایع نفتی ایران و چین دارند. اما آنچه از آنها نقل شده، در بخش ترجیحات و امتیازاتی که برای طرف چینی در نظر گرفته شده است، با توجه به فرهنگ معاملاتی ایران یا امکان حضور نیروهای امنیتی چینی در ایران اغراق‌آمیز و ناصواب است. نظرات آقای زادبوم بیانگر روش کلاسیک همکاری ایران با کشورهای خارجی است که هر سازمان تمامی پتانسیل‌های موجود در رابطه با کشور مفروض را شامل صادرات و واردات به سازمان مذاکره‌کننده اطلاع می‌دهد و مجموعه این اطلاعات در واقع اولین صفحات مذاکره را شکل می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که این توافق چارچوبی است که «پتانسیل» همکاری تمامی سازمان‌های کشور در رابطه با چین را در صورت امکان شکل می‌دهد.

آیا این توافق یک نقطه عطف در سیاست خارجی ایران است: سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی و درواقع تأمین‌کننده منافع و نیازهای داخلی است. سیاست داخلی از جنس توسعه و تأمین معیشت و امنیت است. مشکل بزرگ ایران در روابط خارجی، نداشتن برنامه اولویت‌بندی‌شده مشخص است این فقدان برنامه باعث شده که از تولید یا تأمین هواپیما تا تأمین مسکن یا قوت روزانه یا تهیه برنامه‌های فرهنگی یا الزامات تأمین امنیت تقریبا در یک سطح مورد توجه قرار گیرد. این عدم اولویت‌بندی باعث اتلاف وقت و منابع در سطح وسیع شده است و تا مشخص‌نشدن برنامه توسعه‌ای ایران جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی مشخص نمی‌شود.

قابل توجه است که بعد از انقلاب شش برنامه توسعه در ایران تصویب شده است. میانگین انطباق رفتار دولت با این برنامه‌ها در بهترین شرایط ۵۲درصد و کمترین آن نیز ۳۵درصد بوده است. نتیجه آنکه تعهد به برنامه‌ریزی در ایران ضعیف است. واضح است که انتخاب چین برای یک برنامه ۴۰۰ میلیارددلاری توسعه برای ۲۵ سال بدون یک پیوست امنیتی و سیاسی، کاری ناصحیح به نظر می‌رسد و پیوست امنیتی و سیاسی علی‌الاصول بر مبنای یک تحلیل و ارزیابی از روابط بین‌الملل درحال‌حاضر و محاسبه آینده آن شکل می‌گیرد. ارزیابی روابط و مناسبات چین و آمریکا نقطه آغازین هرگونه تحلیل سیاسی بین‌المللی در دوران کنونی است.

اگرچه چین دائما تکرار می‌کند که می‌خواهد تنها کشور خود را از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اتحاد ملی بازسازی کند (رؤیای چینی آقای شی‌جین‌پین) و به‌هیچ‌وجه علاقه‌ای به رقابت با آمریکا درباره رهبری جهان یا صادرات ارزش‌های خود ندارد و نمی‌خواهد منشأ تصمیم‌گیری‌های این‌گونه باشد اما واقعیت آن است که جهان به‌سرعت به طرف شکل‌گیری یک نظام تصمیم‌گیری ارزشی نوین ژئوپلیتیکی پیش می‌رود. از نظر چین تنها کشوری که می‌تواند این رؤیا را با جلوگیری از انتقال تکنولوژی یا مانع‌شدن از جهانی‌سازی، جنگ ارزی و ممانعت از ارتباط بازارهای مالی به‌هم بزند آمریکاست؛ بنابراین بیشترین تلاش را خواهد کرد که دنیا به طرف دوقطبی‌شدن پیش نرود. این تلاش چین برای جلوگیری از درگیری با آمریکا پتانسیل بزرگ سیاسی برای توسعه کشورهایی مانند ایران است. با ورود به برنامه درازمدت همکاری با چین، نظام سیاسی ایران پذیرفته است که در رقابت بین چین و آمریکا -که نقطه مرکزی تحلیل سیاسی بین‌المللی است- خود را در نزدیکی چین تعریف کند و در نتیجه در خطوط اصلی انرژی، امنیت سایبری و تکنولوژی‌های برتر و زیرساخت‌های مربوطه برای خود تعیین تکلیف کرده است. ازآنجاکه چین به طرف مخاصمه با آمریکا پیش نمی‌رود، لاجرم تعدیلاتی در روابط خارجی ایران نیز صورت خواهد گرفت. نمونه مشابه آن را در همکاری بلندمدت پاکستان با چین شاهد هستیم که باعث تعدیلاتی در سیاست خارجی منطقه‌ای آن کشور شده است. بنابراین با فرض ثابت‌بودن مناسبات درونی برنامه همکاری درازمدت با چین به نفع کشور و ملت ایران تمام خواهد شد و درصورت تعهد و اجرا یک نقطه عطف در سیاست خارجی محسوب می‌شود.

استراتژی معاهده

ساسان کریمی
فارغ‌التحصیل دکترای فلسفه سیاسی از دانشگاه تهران

منقول است در تاریخ که لااقل از زمان صفویان به بعد که پای مستشرقان اروپایی به ایران باز شد، ایرانیان که تا حد امکان به سفرهای با بازگشت نمی‌رفتند و آن را کاری عبث می‌پنداشتند، نسبت به حسن‌نیت این مستشرقان نظری به غایت مشکوک داشتند. گویی نمی‌توان انکار کرد که در عین آثار منفی‌ای که گاه این سفرها و سفرنامه‌نویسان بر آثار باستانی ما داشته‌اند، نفس عمل متهورانه در سفر به کشوری دور و به غایت متفاوت و در واقع نهراسیدن از امر نامعلوم همان چیزی بود که گنجینه‌ای از معرفت را به‌عنوان پایه بعدی سیاست، تجارت و اقتصاد برای اروپا و تمدن مغرب‌زمین به ارث گذاشته است.

در دوران جدیدتر نیز شاید با نگاهی مجمل به تاریخ بتوان شکست‌های متوالی از روسیه و دیگران و عهدنامه‌های تحمیلی آن در زمان قاجار، دو بار اشغال ایران در جنگ‌های جهانی توسط قوای روس و انگیس، تعیین‌تکلیف برای ایران در سال ۱۳۲۰ و کودتای ۱۳۳۲ و بعد مناسبات یک‌طرفه در ۲۵ساله منجر به انقلاب را سلسله خاطرات تلخی دانست که صحّه بر این نگرش منفی ایرانیان نسبت به «دیگری» گذاشته است: هنوز هم تردید ضمنی نسبت به تجار، گردشگران و استادان خارجی در متن جامعه دیده می‌شود و این وقتی به نهایت خود می‌رسد که پای تعامل یا معاهده‌ای هم در میان باشد؛ امری که مرتبا به محلی برای رقابت‌های داخلی و سیاه‌نمایی و هراس‌افکنی نیز بدل می‌شود؛ این همه در حالتی است که ایران از پربازدیدکننده‌ترین و متعامل‌ترین‌ها در کشورهای مشابه خود نیست.

حال آنکه با تمام سال‌هایی که بر ما رفته، شاید زمان آن رسیده باشد که در متن جامعه، نگاهی همه‌جانبه‌تر و «عادی»‌تر نسبت به دیگران جهان داشته باشیم؛ چراکه توانمندی در سیاست خارجی و منافع ملی نه در «بازی‌نکردن»، بلکه در حالتی است که تعاملات خود را با دوست و دشمن هر روز بهینه کرده و بتوانیم از این رهگذر منافع ملی حداکثری را دنبال کنیم. آنچه قطعی است این است که انزوا در جهان امروز باختی حتمی را به ارمغان می‌آورد و به نوعی پاک‌کردن صورت‌مسئله از سر ترس می‌ماند.

*در همین راستا، بحثی که امروز نقل محافل شده، قرارداد ۲۵ساله‌ای است که قرار است میان ایران و چین منعقد شود. فارغ از محتوای این قرارداد که تا زمانی که جزئیات منتشر نشود، نمی‌توان در رد یا تأیید آن نظر داد، باید به اصل موضوع یعنی نزدیکی راهبردی ایران و چین نگاه کرد؛ آیا چین می‌تواند شریک راهبردی مناسبی برای ایران باشد؟

امری که برای کارشناسان مختلف اقتصادی و استراتژیک مسجل است، سبقت زودهنگام اقتصادی چین از ایالات متحده و نشستن او در صدر اقتصاد جهان تا اطلاع ثانوی است؛ امری که قطعا تمایل هر شریکی را به نزدیکی اقتصادی به این کشور زیاد می‌کند. علاوه بر آنکه چین به‌واسطه جمعیت نزدیک به یک‌ونیم‌میلیاردی خود، اقتصاد تولیدی و بزرگ خود و نداشتن منابع نفتی، مصرف‌کننده تضمینی نفت به مقدار زیاد است. ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان منابع نفتی جهان، البته می‌تواند یکی از منابع اصلی تأمین انرژی چین باشد، چنانکه هست.؛اما تضمین این ارتباط برای هر دو طرف چیزی فراتر از وجود آن است.

دیگر آنکه از نقطه‌نظر راهبردی نیز چین، کمترین حضور را در منطقه خاورمیانه دارد. هرچند این کشور مزاجی بیشتر اقتصادی و رویکردی متفاوت از دیگر ابرقدرت‌ها دارد اما درهرحال منافع و منابع خود را همواره در تهدید شیطنت‌ها و رقابت‌های ایالات متحده ارزیابی می‌کند و بنابراین ناگزیر از برقراری توازنی در معنای راهبردی - و نه لزوما نظامی آن- در منطقه خاورمیانه در مقابل حضور سنگین رقیب اصلی خود است. غیر از این، ایران، بازاری نسبتا بزرگ برای چین است؛ چراکه داشتن بازاری به نام ایران، به معنای بازاری ۸۰میلیون‌نفری نیست بلکه ایران به‌واسطه قرارگرفتن در مرکز یک بازار حدودا ۴۰۰میلیون‌نفری و صادرات پایین‌دستی به کشورهای اطراف خود در بسیاری از زمینه‌ها کار را به‌عنوان حلقه میانه نیز برای اقتصادی مانند چین آسان می‌کند. حال چه برای صادراتی سطح بالا مانند تکنولوژی و چرخه‌های اصلی در صنایع مختلف، چه در صنایع پایین‌دستی حضور در بازار ایران می‌تواند بهترین مسیر برای دستیابی به حاشیه‌های این بازار باشد.

در نهایت یکی از مهم‌ترین عواملی که جذابیت زیادی را برای چین در همکاری عمیق‌تر با ایران ایجاد می‌کند، دنبال‌کردن رقابت سیاسی خود با ایالات متحده در درازمدت است. درهرحال در رقابت دائمی میان این دو ابرقدرت، فارغ از حضور منطقه‌ای، در اتحاد سیاسی و اقتصادی بودن با قدرت‌های متوسطی در ابعاد ایران موضوعی است که از جذابیت درجه‌اولی برخوردار است.

در مقابل نیز ایران برای نوسازی صنایع نفتی خود در میان‌مدت نیاز به منابع تأمین مالی جدی دارد که شاید بتوان چین را در این تأمین یکی از بهترین گزینه‌هایی دانست که به‌واسطه داشتن منافع واقعی - به شرحی که رفت- خود داوطلب این معناست. سرمایه‌ای که حتی در بهترین شرایط متصوره یعنی بیشینه فروش نفت هم برای اقتصاد ایران به غایت سنگین خواهد بود.

دیگر آنکه تضمین فروش نفت و گاز برای ایران نیز به منزله امری حیاتی و واجب قلمداد می‌شود: چه در شرایط تحریمی به سیاق امروز و چه حتی در شرایط رقابت صرف بازار. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ایران در نگاه بلندمدت خود چین را به‌عنوان قدرت اول اقتصادی جهان دیده و به سود خود می‌پندارد تا با درهم‌تنیدگی هر چه بیشتر اقتصادی و صنعتی با این کشور، ارتقای خود را از این مسیر در صحنه جهانی دامن زند.

ادامه در صفحه ۸

ادامه از صفحه ۲

قصه پرآب چشم مسکن

به کوتاهی باید گفت اگر این پروژه درست بود پس چرا با وجود تکمیل و واردشدن آن به بازار که به‌خصوص از سال ۱۳۹۶ صورت گرفت، وضعیت مسکن این گونه شده است؟ در واقع می‌توان گفت پروژه مهر بزرگ‌ترین پروژه بنّایی کشور تاکنون بوده و نه مسکن؛ چون مسکن یعنی سرپناهی با خدمات شهری و ارتباط سریع با محل کار و در کلان‌شهرها چنین مسکنی فراهم نشده است. به همین دلیل پس از مکثی که در افزایش قیمت مسکن به‌وجود آمد، دوباره جهش در آن در تهران رخ داد و بعد با آزادسازی معاملات در مسکن مهر، افزایش تقلبی بهای مسکن از تهران به پیرامون آن و کل ایران سرایت کرد تا جهش چند صددرصدی بهای مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و مسکن مهر، بهای آنها را هم از توان اکثریت مردم بیشتر کند. از همین رو است که برخلاف اهداف پروژه موسوم به مسکن مهر، نسبت اجاره‌نشینی به‌طور شتابان در شهرهای مرکزی در حال افزایش است و مردم حاضرند در شهری چون تهران خانه‌های قمر خانم جدید را راه‌اندازی کنند و حتی به پشت‌بام و مغازه خوابی روی آورند نه مسکن مهر. چون در آن نه‌تنها خدمات لازم و حمل‌ونقل مناسب فراهم نشده، بلکه مسکن در پیرامون هم گران شده و هم تا دامنه بیش از ۴۰کیلومتری تهران هم امکان سکونت غیررسمی وجود ندارد. حال چرا همچنان گروهی هم‌صدا با پیمانکاران مسکن مهر (که اصرار دارند انبوه‌ساز نامیده شوند) از پروژه‌های موسوم به مسکن مهر و ملی دفاع می‌کنند، شگفتی‌آور نیست چون انتظاری بیش از این از آنها نمی‌رود و تنها خنده تلخ را موجب می‌شود. دراین‌باره در جاهای مختلف سخن گفته‌ام که راه‌حل مشکل بخش مسکن در ایران عمل به طرح جامع مسکن (۱۳۸۴) بود که در آن برپایی نظام استیجار هم پیش‌بینی شده بود ولی پروژه موسوم به مسکن مهر کنار گذاشته شد. بعد عمل به بازنگری طرح جامع مسکن (۱۳۹۴) می‌توانست نجات‌دهنده باشد که آن هم ابتدا با طرح پروژه موسوم به بازآفرینی شهری (با قول ایجاد سالانه ۳۰۰ هزار شغل) و بعد پروژه موسوم به مسکن ملی کنار گذاشته شد. در اینجا می‌خواهم شگفتی خود را از تکرار شیوه کتمان گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در گذشته (در دهه ۱۳۷۰) و برچسب سیاه‌نمایی به گویندگان آن ابراز کنم که این بار درباره پشت‌بام و مغازه‌خوابی و امثال آن به‌صورت کمدی تکرار می‌شود که «اصلا امکان واگذاری اجاره‌ای پشت‌بام وجود ندارد». چرا کمدی است؟ چون چند دهه کار کارشناسی یک جمع و پیگیری در حوزه عمومی (که کاری سخت در این روزگار است) بالاخره به سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی انجامید و سازمانی که اکنون نام بی‌مسمای شرکت بازآفرینی شهری را یدک می‌کشد، مسئول شناسایی و احصای انواع سکونتگاه‌های غیررسمی و ناکارآمد شد تا آنها را از طریق برنامه‌ریزی‌های شهری و مسکن توانمندسازی و ساماندهی کند. از جمله سندهایی که این شناسایی را برای آن سازمان به انجام رسانده و چارچوب برنامه آن را با طبقه‌بندی محلات شهر تهران ارائه کرده «طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تهران و البرز» (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۹۵) است که مصوبه ستاد شهرستان تهران را هم دارد. در این طرح که تا تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۹۹ در درگاه رسمی وزارت راه و شهرسازی وجود داشت، به روشنی نام محلاتی که دارای پشت‌بام‌خوابی و دیگر ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها هستند، آمده است. در طرح جامع مسکن ساختار نظام استیجار در ایران و ساختار نهادی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه شده بود و در بازنگری طرح جامع مسکن کامل و دقیق و در طرح اخیر به برنامه عمل نزدیک شد اما همگی به دور ریخته شدند. این نکته هم گفتنی است که طرح نظام استیجار در ایران از تدوین برنامه مسکن در برنامه اول توسعه یا بیش از ۳۲ سال پیش در دستور کار قرار داشته است. یا سیاست کوچک‌سازی واحدهای مسکونی از همان زمان در دستور کار قرار گرفت اما بورژوازی مستغلات رانتی توانست جهت قوانین و برنامه‌ها را به بزرگ‌سازی تغییر دهد تا آن‌قدر واحد بزرگ مسکونی و واحدهای تجاری خالی متعلق با بانک‌ها ساخته شود که بتوانند نظام اقتصادی ایران را به گروگان بگیرند. آیا ابراز بی‌اطلاعی از این همه و اکتفا به پروژه موسوم به مسکن ملی، مالیات بر خانه‌های خالی و... کمدی نیست؟ هگل در کتاب عقل در تاریخ (ترجمه حمید عنایت) می‌گوید (نقل به مضمون): به فرمانروایان و کشورداران اغلب اندرز می‌دهند که از تجربه‌های تاریخ پند بگیرند. ولی آنچه تجربه و تاریخ به ما می‌آموزد، این است که آنها هرگز چیزی از تاریخ یاد نگرفته‌اند، وگرنه این همه فجایع تاریخی تکرار نمی‌شد.

ادامه از صفحه اول

افسون حل یک‌شبه مشکلات ایران

اساسا راه‌حل کوتاه‌مدت در اقتصاد ایران وجود ندارد، ولی راه‌حل میان‌مدت برای داشتن یک آینده براساس نظام تدبیر اقتصادی است تا دلایل ناکامی سال‌های اخیر در رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌درستی احصا شده و اراده لازم برای برنامه‌ریزی اصولی در راستای حل آن وجود داشته باشد. اشتباهات راهبردی به نقطه‌ای رسیده که نمی‌توان بدون اراده جمعی جلوی آن را گرفت. تغییر بدون برنامه و ایده و تشکیل دولت ایکس، حزب فلان یا مجلس بهمان، مشکل را حل نخواهد کرد.

برگ سبز و سند کمپانی **خودروپژو آردی رنگ یشمی روغنی** مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۶۸ _ ۶۱۲ ج ۷۶ و شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۰۷۴۱۴ و شماره شاسی ۲۳۴۰۱۲۹۹ به نام **سلیمان محمدی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری بنز ۱۸۰ مدل ۱۳۳۶ سرمه ای بشماره شاسی :۷۵۰۵۱۰۹ و شماره موتور ۷۵۰۳۹۳۷ وVIN: DETL۵۷۱V۲XN۵۰۵۱۰۹ و شماره پلاک: ایران ۱۵-۱۸۴ق۸۹ به نام **باقر علافیان خیابانی** مفقودگردیده و فاقد اعتبار می باشد.

سند کمپانی **خودروپژو ۲۰۶ تیپ ۵ رنگ سفید** مدل ۱۳۹۶ به شماره موتور 172B0030515 و شماره شاسی NAAP13FE7HJ252438 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

کارت **خودروپراید وانت رنگ آبی نفتی روغنی** مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۸۸ - ۵۶۹ ه ۱۸ و شماره موتور ۵۱۸۸۰۵۰ و شماره شاسی NAS451100E4926695 به نام **لیلا صمیی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

فک رهن **خودرولیفان رنگ سفید روغنی** مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۴۹۹ ل ۳۹ و شماره موتور LFB479QL180490166 و شماره شاسی NAKSG4322JB144655 به نام **مجید اردیخانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@ SHARGHDAILY.IR

جناب آقای شعبان فرجی
مدیرمحترم روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند
تحمل سوگ فقدان مادر صبری الهی را می‌طلبد.
ما را در این غم جانکاه شریک بدانید.
کمال آبادی ـ نماینده روزنامه شرق در استان مرکزی